

# برنامه هسته‌ای کشورهای عربی: الگوها و روندها

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۴/۱۴

تاریخ تأیید: ۱۳۹۱/۵/۱۷

نویسندگان: دکتر قاسم ترابی<sup>۱</sup>

## چکیده

چرا کشورهای عربی طی یک دهه گذشته در زمینه انرژی هسته‌ای به شدت فعال شده‌اند؟ این کشورها تاکنون از چه الگوهایی پیروی نموده‌اند و چه موفقیت‌های در این زمینه به دست آورده‌اند؟ این‌ها مهم‌ترین پرسش‌هایی هستند که مقاله حاضر درصدد پاسخ‌گویی به آنهاست. کشورهای عربی به استثنای چند کشور از جمله مصر، سوریه و عراق تا سال ۲۰۰۳ چندان در زمینه هسته‌ای فعال نبودند. این کشورها طی این سال از سیاست آمریکا در منطقه مبنی بر دوری از هرگونه فعالیت و سرمایه‌گذاری در امور هسته‌ای پیروی می‌کردند؛ اما از سال ۲۰۰۳ به دنبال تغییر شرایط منطقه، موفقیت‌های ایران در زمینه هسته‌ای و تغییر سیاست آمریکا، سیاست کشورهای عربی تغییر کرد. مقاله حاضر تلاش دارد وضعیت و برنامه‌های هسته‌ای مهم‌ترین کشورهای عربی و رابطه آنها با برنامه هسته‌ای ایران را مورد بررسی قرار دهد.

**کلید واژه‌ها:** الگوی آمریکا، برنامه هسته‌ای، غنی‌سازی، منع گسترش هسته‌ای، شورای همکاری خلیج فارس.

طی چند سال گذشته تمایل برای دستیابی به انرژی هسته‌ای در بین کشورهای مختلف افزایش یافته که این موضوع در بین کارشناسان نظامی و امنیتی نگرانی‌های عمده‌ای را ایجاد کرده است. در این بین، تمایل برای داشتن برنامه هسته‌ای میان کشورهای خاورمیانه، با توجه به شرایط و پیچیدگی‌های خاص این منطقه، بیش از سایر مناطق بوده است. طی چند سال گذشته، تقریباً تمام کشورهای عربی به خصوص کشورهای حاشیه خلیج فارس در زمینه هسته‌ای فعال شده‌اند و برنامه‌های کلانی در این زمینه طرح‌ریزی کرده‌اند. در این راستا، امارات متحده عربی و عربستان سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در برنامه هسته‌ای انجام داده‌اند. به عنوان مثال، امارات متحده عربی بر اساس توافقاتی که با آمریکا و کره جنوبی دارد تا سال ۲۰۱۷ چهار نیروگاه هسته‌ای تأسیس خواهد کرد. پرسش اصلی مقاله حاضر این است که چرا کشورهای عربی طی چند سال گذشته در زمینه هسته‌ای فعال شده‌اند؟ سایر پرسش‌هایی که در ارتباط با برنامه هسته‌ای این کشورها مطرح می‌شوند، شامل موارد زیر است:

چرا در گذشته و تا قبل از سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ کشورهای عربی در زمینه هسته‌ای فعال نبودند؟ آیا تغییر راهبرد هسته‌ای آمریکا در این تغییر سیاست تأثیرگذار بوده است؟ کشورهای عربی تاکنون در زمینه هسته‌ای از چه الگوهایی پیروی نموده‌اند و چه موفقیت‌های در این زمینه به دست آورده‌اند؟

بخشی از تمایل کشورهای عربی برای داشتن برنامه هسته‌ای، ناشی از سلاح‌های هسته‌ای اسرائیل است. به هر حال اسرائیل تنها کشور خاورمیانه عربی محسوب می‌شود که دارای تسلیحات اتمی است و از این تسلیحات به عنوان عاملی بازدارنده در مقابله با تهدیدات امنیتی استفاده می‌کند. با این وجود، اسرائیل سال‌هاست دارای تسلیحات هسته‌ای می‌باشد و بیشتر کشورهای عربی طی دهه‌های گذشته به آن واکنش جدی نشان نداده‌اند. در نتیجه نمی‌توان تسلیحات هسته‌ای اسرائیل را مهم‌ترین علت تغییر در سیاست هسته‌ای کشورهای عربی در سال‌های گذشته ارزیابی نمود. در مقابل، عده‌ای دیگری از کارشناسان، برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را عامل اصلی تمایل کشورهای عربی برای داشتن برنامه هسته‌ای می‌دانند. یکی از دلایل این امر اینست که فعال شدن کشورهای عربی در زمینه هسته‌ای با موفقیت‌های ایران در این زمینه همراه بوده است. ضمن اینکه مقامات و سیاستمداران کشورهای عربی، بارها به صورت آشکار برنامه هسته‌ای ایران را مهم‌ترین علت تمایل خود



برای داشتن برنامه هسته‌ای معرفی نموده‌اند (Luft, 2007)).

از سوی دیگر، آمریکایی‌ها تحت تأثیر برنامه هسته‌ای ایران، تغییراتی را در راهبرد هسته‌ای خود ایجاد کرده‌اند که این امر فضای بیشتری برای فعالیت کشورهای عربی، به ویژه کشورهای عضو «شورای همکاری خلیج فارس»<sup>۱</sup> ایجاد نموده است. در گذشته، مهم‌ترین اولویت سیاست هسته‌ای آمریکا در خاورمیانه، تلاش برای حفظ برتری هسته‌ای اسرائیل و منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بود. در این راستا، دولت آمریکا حمایت همه‌جانبه‌ای را از اقدامات اسرائیل که با هدف حفظ برتری این کشور در زمینه هسته‌ای صورت می‌گرفت، به عمل می‌آورد. در راستای این سیاست و همچنین تهدید سایر کشورهای عربی، حمله نظامی اسرائیل در سال ۱۹۸۱ به سایت هسته‌ای عراق در زمان صدام و همچنین سایت هسته‌ای سوریه در سال ۲۰۰۷، مورد حمایت همه‌جانبه آمریکا قرار گرفت. ضمن اینکه آمریکایی‌ها در این مدت سعی می‌کردند در منطقه خاورمیانه، از فعالیت‌های هسته‌ای حتی به شکل صلح‌آمیز ممانعت کنند. با این وجود، با آشکار شدن برنامه و توانمندی‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و عدم موفقیت آمریکا و متحدانش در متوقف نمودن آن، تغییرات اساسی در راهبرد هسته‌ای آمریکا ایجاد شد. آن چه راهبرد جدید آمریکا در منطقه خاورمیانه را متفاوت از گذشته نموده است، تأکید بر گسترش بکارگیری انرژی هسته‌ای در کشورهای خاورمیانه بر اساس الگویی خاص، بویژه در منطقه خلیج فارس با هدف افزایش فشارهای بین‌المللی بر جمهوری اسلامی ایران است. در این الگوی جدید، در صورتی که کشور میزبان از داشتن حق غنی‌سازی اورانیوم انصراف دهد، از حمایت همه‌جانبه آمریکا در زمینه هسته‌ای برخوردار می‌گردد.

لازم به ذکر است که نگرانی آمریکا از برنامه هسته‌ای ایران صرفاً ناشی از انحراف آن به سوی ساخت تسلیحات هسته‌ای و پیامدهای جدی این مسئله برای آمریکا و اسرائیل نیست. آمریکایی‌ها علاوه بر این مسئله، به شدت نگران تبدیل ایران به الگوی موفق در زمینه هسته‌ای در میان کشورهای خاورمیانه هستند. آمریکایی‌ها بر این باورند موفقیت جمهوری اسلامی ایران در کامل نمودن چرخه سوخت هسته‌ای، نه تنها به مسابقه تسلیحاتی در منطقه خاورمیانه منجر می‌گردد، بلکه حتی می‌تواند مانع موفقیت غرب در کنترل برنامه هسته‌ای سایر کشورهای جهان و شکست سیاست منع گسترش گردد.

در این راستا، در زمان بوش در راهبرد هسته‌ای آمریکا تجدیدنظر اساسی صورت گرفت که در دوره اوباما نیز با تغییراتی تاکتیکی همان راهبرد پی‌گیری شد. بر اساس

1. GCC([Persian]Gulf Cooperation Council)



راهبرد جدید، آمریکا باید از برنامه هسته‌ای کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و سایر کشورهای عربی، به شرط انصراف از غنی‌سازی اورانیوم در داخل حمایت نماید، تا این کشورها بتوانند به شکل صلح‌آمیز به انرژی هسته‌ای دست یابند. به تعبیر دیگر، آمریکا باید کشورهای عربی را متقاعد کند که از حق برخورداری از غنی‌سازی اورانیوم منصرف شوند. در مقابل، آمریکا باید به این کشورها تعهد دهد که نهایت حمایت فنی و تکنولوژیکی را از برنامه هسته‌ای آنها می‌کند (Pomper, 2010:1). هدف دولت آمریکا از این راهبرد جدید، اعمال فشار بیشتر بر ایران و ارائه الگویی جدید از هسته‌ای شدن بدون داشتن حق غنی‌سازی اورانیوم در داخل است.

به دنبال اعلان راهبرد جدید دولت آمریکا، برخی از کشورهای منطقه، به خصوص کشورهای حاشیه خلیج فارس با آمریکا همراه شده‌اند و از طرح جدید این کشور حمایت نموده‌اند. تاکنون کشورهایی مثل امارات متحده عربی، عربستان، کویت، قطر و بحرین، که همگی اعضای شورای همکاری خلیج فارس هستند، با طرح آمریکا موافقت نموده‌اند. در مقابل، کشورهای دیگری هم چون اردن و مصر، با توجه به امکانات داخلی و شرایط منطقه ترجیح داده‌اند که تعهدات سخت آمریکا را نپذیرند و بر توانایی داخلی و همکاری سایر کشورها از جمله روسیه تأکید داشته باشند.

همچنین می‌توان به عراق در زمان صدام و سوریه اشاره نمود که از سال‌های بسیار دورتر به دنبال برنامه هسته‌ای بوده‌اند که البته هر دو به اشکال مختلف با برخورد آمریکا و اسرائیل مواجه شدند. بنابراین می‌توان از سه الگوی متفاوت صحبت کرد. الگوی اول که بیشتر در میان کشورهای حاشیه خلیج فارس گسترش یافته و این کشورها از داشتن چرخه سوخت هسته‌ای انصراف داده‌اند. الگوی دوم کشورهایی چون مصر و اردن را شامل می‌شود که تعهدات سنگین آمریکا را نپذیرفته و برنامه هسته‌ای خاص خود را دنبال نموده‌اند. الگوی سوم شامل کشورهایی همچون عراق می‌شود که برنامه مستقل و مشکوکی در زمینه هسته‌ای داشته‌اند و احتمالاً به دنبال کسب توانمندی نظامی هسته‌ای بوده‌اند.

با توجه به این تفاوت‌ها و الگوها، در ادامه تلاش می‌شود برنامه‌ها، اهداف و موفقیت‌های هسته‌ای مهم‌ترین کشورهای عربی، با توجه به برنامه هسته‌ای ایران مورد بررسی قرار گیرد. بحث ما با آن کشورهایی شروع می‌شود که از الگوی آمریکا پیروی نموده‌اند. در ادامه، برنامه آن کشورهایی مورد بررسی قرار می‌گیرد که علی‌رغم نزدیکی با آمریکا، تعهدات سنگین الگوی جدید را نپذیرفته‌اند. در نهایت، برنامه هسته‌ای عراق در زمان صدام حسین

و برنامه هسته‌ای سوریه مورد بررسی قرار خواهد گرفت که دو کشور مخالف آمریکا به حساب می‌آیند و بر اساس برآوردهای بین‌المللی احتمالاً به دنبال برنامه نظامی هسته‌ای نیز بوده‌اند. البته هم‌اکنون در عراق تغییراتی اساسی به وجود آمده و سیاست هسته‌ای این کشور دچار تغییراتی شده است.

## ۱. چارچوب نظری

موضوع اصلی نظریه‌های روابط بین‌الملل، بررسی ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی «نظم بین‌المللی»<sup>۱</sup> و «نظم منطقه‌ای»<sup>۲</sup> است، به همین خاطر می‌توان علم روابط بین‌الملل را به عنوان علم مطالعه نظم سیستمی، جهانی و منطقه‌ای تعریف کرد. منظور از مفهوم نظم بین‌المللی «تدبیر ترتیبات میان دولت‌ها»<sup>۳</sup> است. به عبارت دیگر، نظم بین‌المللی یا نظم منطقه‌ای، الگویی از فعالیت‌های بین‌المللی است که اهداف اساسی جامعه دولت‌ها در سطح جهان و یا یک منطقه خاص را حفظ می‌کند. مهم‌ترین اهداف جامعه بین‌المللی نیز امنیت سیاسی و نظامی، توسعه اقتصادی و در نهایت ایجاد جهانی عاری از جنگ و درگیری است. البته هر کدام از نظریه‌های روابط بین‌الملل برداشت خاصی از نظم بین‌المللی دارند و اصولاً بر جنبه خاصی از آن تأکید می‌کنند. به عنوان نمونه، «واقع‌گرایان»<sup>۴</sup> بر ایجاد موازنه سیاسی - نظامی قدرت یا جنبه نظامی و امنیتی نظم، «لیبرال‌ها»<sup>۵</sup> بر کارآمدی نهادهای بین‌المللی در تدبیر امور جهانی یا همان «حکومت‌مداری»<sup>۶</sup>، «سازهانگاران»<sup>۷</sup> بر افزایش سهم ایده‌ها در ایجاد فرهنگ ضدآناشیک و «مارکسیست‌ها»<sup>۸</sup> بر تلاش نیروهای اقتصادی سرمایه‌داری جهانی در ایجاد رفاه و پیشرفت همه کشورها تأکید دارند (رضائی، ۱۳۸۸: ۴۴). علی‌رغم این اختلافات، همه این نظریه‌ها در مورد ابعاد مختلف یک پدیده یعنی نظم بین‌المللی و منطقه‌ای صحبت می‌کنند.

نکته مهم دیگر اینکه اصولاً چهار دوره مناظره روابط بین‌الملل میان واقع‌گرایان، لیبرال‌ها، مارکسیست‌ها، سازهانگاران، پست‌مدرن‌ها، نظریه‌پردازان مکتب فرانکفورت و مکتب

1. International Order
2. Regional Order
3. Governing of arrangements among states
4. Realism
5. Liberalism
6. Governance networks
7. Constructivism
8. Marxism



انگلیسی، اصولاً در زمینه شکل و ماهیت ایجاد نظم بین‌المللی بوده است. به تعبیری دیگر، اصولاً جوهر و ذات اختلافات بین تمام نظریه‌های شناخته شده روابط بین‌الملل بر سر ماهیت و چگونگی ایجاد نظم در عرصه بین‌المللی است که در قالب آن همه چیز از جمله امنیت و رفاه معنا پیدا می‌کند. به عنوان مثال، در حالی که واقع‌گرایانی چون مورگنتا و والتز ایجاد نظم را به واسطه «موازنه قوا»<sup>۱</sup> امکان‌پذیر می‌دانند (Morgenthau, 1948 and Carr, 1939 and Waltz, 1979 and. Waltz, 1959)، لیبرال‌های مختلف بر سازمان‌ها، رژیم‌ها و نهادهای بین‌المللی و سازوکارهایی چون گسترش دموکراسی بر اساس ایده صلح دموکراتیک تأکید دارند (جکسون و سورنسون، ۱۳۸۳: ۲۹۸-۲۹۷). همچنین سازه‌انگاران و پست‌مدرن‌ها اصولاً نظم دولت محور را زیر سوال می‌برند و خواهان نظم دیگری هستند که بیشتر با ارزش‌های انسانی همراه باشد (Wendt, 1999). از سوی دیگر، مارکسیست‌ها نظم را بر اساس محورهای اقتصادی تعریف می‌کنند. والرشتاین به عنوان شناخته شده‌ترین چهره کنونی این نظریه، صحبت از ساختار بین‌دولتی سیستم جهانی مدرن و نظم سه‌گانه مرکز، شبه‌مرکز و پیرامون می‌کند (Wallerstein, 1981: 1361-1377). بنابراین، موضوع محوری نظریه‌های شناخته شده روابط بین‌الملل را می‌توان نظم، چگونگی ایجاد و حفظ و یا تغییر آن به سوی نظامی ایده‌آل ارزیابی نمود که البته هر کدام از آنها به این موضوع پاسخ‌های متفاوت و گاه متضادی داده‌اند.

با این شرایط، اگر موضوع اصلی روابط بین‌الملل نظم است و تمامی مسائل و موضوعات مهم بین‌المللی از جمله امنیت، جنگ و صلح و همچنین رقابت و دوستی در دل آن جای می‌گیرند، در این صورت رویدادها و تحولات در یک منطقه را باید با توجه به نظم موجود و در نتیجه طرفداران و مخالفان آن مورد ارزیابی قرار داد. از منظر تئوریک، هر نظامی در عرصه بین‌المللی توسط کشورهای ایجاد و حمایت می‌شود و سایرین که در قالب آن نفع کمتری می‌برند و یا به هر دلیلی از جمله دلایل ایدئولوژیک با آن مخالفند، در پی محدودسازی و در نهایت فروپاشی آن و در نتیجه تغییر نظم به مسیر دلخواه خود هستند. در این راستا به نظر می‌رسد نظم کنونی در خاورمیانه بیشتر با دیدگاه‌های واقع‌گرایان نزدیک است. بر اساس دیدگاه واقع‌گرایان، در هر منطقه نظامی وجود دارد که در قالب آن موازنه قوا در سطوح نظامی و امنیتی ایجاد می‌شود. از نظر واقع‌گرایان، مهم‌ترین بُعد هر نظامی بُعد امنیتی و نظامی آن است. در نتیجه، موازنه قوا اساس نظم منطقه‌ای محسوب می‌شود. در این چارچوب، کشورهایایی که نظم منطقه‌ای و در نتیجه موازنه قوای منطقه‌ای

به نفع آنهاست، تلاش می‌کنند به هر شکل و وسیله‌ای، شرایط را به سود خود نگاه دارند. در مقابل، کشورهای که از نظم منطقه‌ای ناراضی هستند، تلاش می‌کنند از طرق مختلف، همچون راهکارهای سیاسی و نظامی، شرایط را به سود خود تغییر دهند. همچنین، در چنین شرایطی معمولاً کشورهای رقیب سعی می‌کنند مانع از قدرت‌یابی کشور مقابل شوند و در صورت امکان تلاش می‌کنند بر میزان و عمق قدرت خود بیفزایند.

در این راستا، به نظر می‌رسد تلاش ایران برای دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای و همچنین مخالفت‌های اسرائیل و کشورهای عربی با این موضوع را بتوان در چنین چارچوبی مورد بحث قرار داد. دستیابی یک کشور به انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز، کمک فراوانی به قدرت‌یابی آن در سطوح مختلف سیاسی و اقتصادی خواهد کرد. دستیابی به انرژی هسته‌ای می‌تواند کمک فراوانی به افزایش اعتبار و پرستیژ آن کشور کند که این موضوع، یکی از جنبه‌های قدرت ملی محسوب می‌شود. بنابراین حتی دستیابی ایران به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای می‌تواند کمک فراوانی به افزایش قدرت آن بنماید و توازن قوای منطقه‌ای و در نتیجه نظم منطقه‌ای را در مسیر دلخواه این کشور با تغییراتی مواجه کند. به همین دلیل، کشوری چون اسرائیل که دارای تسلیحات هسته‌ای است، موفقیت‌های ایران در حوزه هسته‌ای را به شدت نگران‌کننده ارزیابی می‌کند. مقامات اسرائیلی بر این باورند که موفقیت‌های ایران در حوزه هسته‌ای می‌تواند توازن قوای منطقه‌ای را به سود ایران تغییر دهد و در نتیجه زمینه را برای تغییر نظم منطقه‌ای فراهم نماید (Lindsay and Ray Takeyh, 2010:1-5).

در این راستا، کشورهای عربی نیز نگرانی‌های عمده‌ای از قدرت‌یابی ایران دارند و دستیابی ایران به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای را عاملی برای برهم خوردن توازن قوای منطقه‌ای به سود ایران و در نتیجه در خطر قرار گرفتن خود می‌دانند. در این راستا، کشورهای عربی نمی‌خواهند روند تغییر شرایط منطقه به سود ایران که از سال ۲۰۰۱ شروع شده با هسته‌ای شدن این کشور کامل گردد. مقامات کشورهای عربی به شدت از تحولات حادث شده طی یک دهه گذشته در منطقه نگران هستند. آنها حمله آمریکا به افغانستان و عراق را از جمله اقداماتی می‌دانند که توازن قوای منطقه‌ای را به ضرر کشورهای عربی و به سود جمهوری اسلامی ایران تغییر داده است. حمله آمریکا به افغانستان منجر به برکناری طالبان متحد عربستان و سایر کشورهای عربی و دشمن جمهوری اسلامی شد. همین مسئله باعث شد افغانستان از یک کشور تهدیدکننده به یک کشور دوست برای جمهوری اسلامی تبدیل شود (Hass and Indyk, 2009:8-15). در عراق نیز سقوط رژیم



صدام باعث شد توازن قوای منطقه‌ای به سود جمهوری اسلامی ایران تغییر کند. عراق دوره صدام، مهم‌ترین و بزرگ‌ترین کشور عربی دشمن جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شد که هشت سال جنگ را به ایران تحمیل نموده بود و هرگونه حرکت جمهوری اسلامی را محدود می‌کرد. با این حال با اشغال عراق و سقوط صدام حسین و روی کار آمدن شیعیان، عراق از دشمنی دشمن به دشمنی دوست برای ایران تبدیل شد. همین وضعیت را کم و بیش در مورد حزب‌الله می‌توان مشاهده نمود. به باور مقامات سعودی حزب‌الله طی چند سال گذشته توانسته طی چند جنگ در برابر اسرائیل مقاومت نماید و قدرت خود را نشان دهد و هر روز بر نفوذ و قدرتش در لبنان بیفزاید، که این امر نشانگر قدرت جمهوری اسلامی در بخشی دیگر از خاورمیانه است. در چنین شرایطی، مقامات کشورهای عربی نمی‌خواهند با هسته‌ای شدن ایران موازنه قوای منطقه‌ای و در نتیجه نظم منطقه‌ای به ضرر آنها تغییر کند (Cordesman, Kocharlakota and Seitz, 2010: 5-7).

با توجه به این شرایط و تغییر راهبرد هسته‌ای آمریکا در خاورمیانه، کشورهای عربی تلاش دارند با سرمایه‌گذاری بر برنامه هسته‌ای، الگوی جدیدی را در مقابل الگوی ایران ارائه کنند. هدف دیگر این کشورها تحت فشار قرار دادن ایران برای کنار گذاشتن غنی‌سازی در داخل می‌باشد. با توجه به این مباحث، در ادامه برنامه هسته‌ای کشورهای عربی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲. برنامه هسته‌ای امارات متحده عربی

امارات متحده عربی از جمله کشورهای پیشتاز در زمینه پذیرش الگوی جدید آمریکا محسوب می‌شود. در واقع، امارات اولین کشوری بود که الگوی جدید هسته‌ای شدن آمریکا را پذیرفت و با توجه به درآمدهای نفتی در حال کامل نمودن سایت‌ها و مراکز هسته‌ای خود می‌باشد. در این راستا، دولت امارات در آوریل سال ۲۰۰۸ یک گزارش رسمی در مورد علل و انگیزه‌های تعقیب برنامه هسته‌ای، اصول راهنمایی دولت در این زمینه و اهداف میان‌مدت و بلندمدت خود منتشر نمود. این گزارش، مهم‌ترین «سند هسته‌ای ملی امارات» محسوب می‌گردد که چشم‌انداز برنامه هسته‌ای این کشور طی چند دهه آینده را برنامه‌ریزی نموده است (Policy of the United Arab Emirates..., 2008). در بخش اول این گزارش درباره دلایل و انگیزه‌های دولت امارات در پی‌گیری برنامه هسته‌ای، بحث شده است. در این بخش سعی شده با آمار و ارقام مصرف انرژی نشان داده شود که این کشور چاره‌ای جز



روی آوردن به انرژی هسته‌ای ندارد. به عبارت دیگر در اینجا تلاش شده تا تأمین برق مورد نیاز از طریق منابع پاک، به عنوان مهم‌ترین دلیل در پی‌گیری برنامه هسته‌ای عنوان شود. البته این ادعا با توجه به منابع گسترده نفت امارات و مصرف محدود این کشور با واقعیت منطبق نیست (Kane and Monetta, 2009).

در بخش بعدی گزارش در مورد اهداف و برنامه‌ها بحث شده است. مهم‌ترین برنامه دولت امارات، ایجاد نیروگاه‌های هسته‌ای اعلام شده است. بنابراین کل اقدامات این کشور و تمام قراردادهایی که تاکنون منعقد شده را باید با تمرکز بر ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای مورد ارزیابی قرار داد. طبق پیش‌بینی این سند، اولین نیروگاه هسته‌ای این کشور در سال ۲۰۱۷ افتتاح خواهد شد (CRS meeting with Abu Dhabi..., 2008).

نکته مهم دیگری که در این گزارش بر آن تأکید شده، کنار گذاشتن چرخه سوخت هسته‌ای توسط امارات متحده عربی است. بنابراین بر اساس سند هسته‌ای امارات، این کشور به صراحت از فرایند غنی‌سازی اورنیوم که مهم‌ترین و حساس‌ترین بخش فعالیت هسته‌ای محسوب می‌گردد، انصراف داده است. این اقدام در راستای ارائه الگوی جدید آمریکا در منطقه و با هدف افزایش فشار بر جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است. ضمن این که اماراتی‌ها به خوبی می‌دانند که از نظر تکنولوژیکی توان لازم برای ایجاد زیربنای هسته‌ای بومی را ندارند، بنابراین بهترین مسیر برای دستیابی به انرژی هسته‌ای را، در پیش گرفتن چنین سیاستی ارزیابی نموده‌اند.

همچنین، در راستای جلب رضایت آمریکا و همچنین مطابقت با طرح الگوی این کشور در خاورمیانه، امارات متحده عربی در سطح بین‌المللی تمام معاهدات هسته‌ای را امضا نموده است. این کشور در سال ۱۹۹۵ «پیمان منع گسترش هسته‌ای»<sup>۱</sup> و در سال ۲۰۰۳ «پروتکل کمیت اندک»<sup>۲</sup> را امضا نموده است. پروتکل کمیت اندک، در مورد کشورهای است که هیچ‌گونه امکانات هسته‌ای و همچنین تأسیسات مرتبط با آن را ندارند. همچنین امارات از جمله کشورهای امضاکننده پروتکل الحاقی است. این پروتکل اجازه بازرسی‌های بیشتر و همچنین سرزده را به آژانس می‌دهد. ضمن اینکه امارات از جمله کشورهای فعال در چارچوب آژانس بین‌الملل انرژی اتمی محسوب می‌شود. این کشور در اکثر «پروژه‌های همکاری فنی»<sup>۳</sup> آژانس مشارکت دارد (Blanchard and Kerr, 2009:1-8).

1. NPT (nuclear non proliferation treaty)
2. Small Quantities Protocol
3. Technical Cooperation projects



در سطح ملی نیز اولین قانون حقوقی امارات در زمینه انرژی هسته‌ای توسط «شورای عالی فدرال»<sup>۱</sup> در اکتبر سال ۲۰۰۹ مدون شد. بر اساس متن صریح این قانون، غنی‌سازی اورانیوم در تمامی خاک امارات غیرقانونی اعلام شده است. به نظر برخی از کارشناسان، صراحت موجود در این قانون در مورد صرف‌نظر کردن از غنی‌سازی اورانیوم به دلایل سیاسی با برنامه هسته‌ای ایران ارتباط دارد. بعلاوه، مقامات اماراتی به صراحت اعلام نموده‌اند که در تدوین قواعد و مقررات هسته‌ای خود از کشورهای چون آمریکا، ژاپن، کره، فرانسه و انگلستان مشورت گرفته‌اند. این امر به شکلی تأییدکننده نظر کارشناسان یادشده در مورد ارتباط اهداف برنامه هسته‌ای امارات و برنامه هسته‌ای ایران است (Diepen, 2009). افزون بر این، یکی از شرط‌های آمریکا در کمک به برنامه‌های هسته‌ای امارات، تدوین قانونی جامع در زمینه صادرات بوده است. آمریکایی‌ها نگران آن هستند که با توجه به حجم بالای صادرات امارات متحده عربی به ایران، بعضی از مواد حساس به ایران منتقل گردد. به همین دلیل مسئولان اماراتی در پی تدوین قانونی جامع در زمینه امور گمرکی و صادرات و واردات هستند که صدور کالاها و مواد حساس از این کشور را منع می‌نماید (Al Nahyan, 2008).

## ۲-۱. همکاری‌های هسته‌ای امارات با سایر کشورها

در ژانویه سال ۲۰۰۹، یادداشت تفاهم هسته‌ای مهمی بر اساس ماده ۱۲۳ «اعلامیه انرژی اتمی»<sup>۲</sup> بین آمریکا و امارات منعقد شد که از آن تحت عنوان «توافق ۱۲۳» یاد می‌شود. البته اولین یادداشت تفاهم هسته‌ای بین آمریکا و امارات در ۲۱ آوریل ۲۰۰۸ منعقد گردید، که اهمیت آن به دلیل فراهم نمودن زمینه برای توافق سال ۲۰۰۹ می‌باشد. این یادداشت تفاهم تحت عنوان «همکاری در زمینه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای»<sup>۳</sup> به توافق دو کشور در زمینه همکاری در تمامی ابعاد هسته‌ای مطابق با قواعد و مقررات ملی و بین‌المللی اشاره دارد. در قانون هسته‌ای امارات، تلاش برای غنی‌کردن اورانیوم غیرقانونی اعلام شده است؛ در نتیجه اشاره به هر نوع همکاری مطابق با قواعد ملی و بین‌المللی، نشان‌گر این موضوع است که آمریکایی‌ها صرفاً در حوزه صلح‌آمیز با اماراتی‌ها همکاری خواهند داشت. علت اصلی تأکید بر روی فعالیت‌های صلح‌آمیز در آنست که آمریکایی‌ها قصد دارند تا از این قرارداد به عنوان یک «الگوی موفق» برای سایر کشورهای منطقه استفاده نمایند.

1. Federal Supreme Council
2. Atomic Energy Act (AEA)
3. Concerning Cooperation in Peaceful Uses of Nuclear Energy



آمریکا قصد دارد این پیام را به سایر کشورها بدهد که در صورت صرف نظر کردن از داشتن چرخه سوخت هسته‌ای و بویژه غنی‌سازی اورانیوم، آنها به مانند امارات می‌توانند به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای دست یابند. مهم‌ترین محورهای توافق هسته‌ای آمریکا با امارات که اولین نمونه از «طرح الگوی آمریکا» در منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود، شامل موارد زیر است:

- توسعه همکاری در زمینه ساخت نیروگاه هسته‌ای و همچنین سایر امکانات مرتبط با آن؛
- همکاری در زمینه تشویق ساخت زیربنای تولید سوخت قابل اتکا برای نیروگاه آب سبک امارات که قرار است در آینده ساخته شود؛

- آموزش در زمینه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و همچنین در ساخت تأسیسات و امکانات هسته‌ای و آموزش انسانی؛

- همکاری در زمینه امنیت هسته‌ای و منع گسترش، شامل اقداماتی در زمینه حفاظت فیزیکی، امنیت مرزی و همچنین نظارت بر صادرات؛

- حمایت از برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای امارات با هدف تأمین سوخت این کشور و همچنین ممانعت از گسترش هسته‌ای؛

- همکاری در زمینه مدیریت زباله‌های رادیواکتیو و شناسایی منابع اورانیوم امارات؛

- مبادله اسناد و اطلاعات هسته‌ای بین دو کشور؛

- مبادله کارشناسان و تکنولوژی هسته‌ای؛

- سازماندهی کنفرانس‌ها و اجلاس‌های بین‌المللی مرتبط یا بحث هسته‌ای با همکاری دو کشور؛

- انتقال مواد، تأسیسات و امکانات هسته‌ای (Nikitin, 2008: 5-8).

بعلاوه، توافق فوق‌دارای دو بند ویژه و بسیار مهم است. اول این که امارات متحده متعهد شده تا پیش از اجرایی شدن توافق با آمریکا، پروتکل الحاقی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را امضا نماید. اماراتی‌ها بلافاصله پس از امضای یادداشت تفاهم، پروتکل الحاقی را امضا نمودند. بند دوم در زمینه غنی‌سازی است. بر اساس این بند، امارات از هرگونه فعالیت در زمینه غنی‌سازی یا هر شکل از فعالیت که امکان استفاده غیر صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را داشته باشد، انصراف داده است.

امارات همچنین با سایر کشورها همچون فرانسه، ژاپن و کره جنوبی نیز همکاری‌های هسته‌ای دارد. البته کره‌ای‌ها در بین این سه کشور تاکنون موفق‌تر بوده‌اند. چند شرکت معتبر این کشور توانسته‌اند در مناقصه‌های هسته‌ای امارات مشارکت نمایند و موفقیت‌هایی نیز در

این زمینه به دست آورند. چندی پیش، شرکت‌های کره‌ای در مناقصه‌ای که برای ساخت چهار نیروگاه هسته‌ای در امارات برگزار شد مشارکت نمودند و موفق شدند مناقصه را به ارزش ۲۰ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار به سود خود تمام کنند. بر اساس توافق، قرار است شرکت‌های کره‌ای تا سال ۲۰۱۷ چهار نیروگاه هسته‌ای با توان تولید ۱۴۰۰ مگاوات برق را به پایان برسانند. مقرر شده کار ساخت این نیروگاه‌ها از سال ۲۰۱۲ آغاز گردد و تا سال ۲۰۱۷ به بهره‌برداری برسند. بر اساس برآوردهای صورت گرفته ارزش نهایی این قرارداد بیش از ۴۰ میلیارد دلار خواهد بود (South Korea assists UAE nuclear energy program, 2011).

### ۳. برنامه هسته‌ای عربستان سعودی

برنامه هسته‌ای عربستان سعودی را می‌توان به دو مقطع متفاوت تقسیم نمود. مقطع اول از اوایل دهه ۷۰ شروع و تا سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۶ ادامه یافت. در این دوران احتمالاً عربستان به شکل پنهانی به دنبال ایجاد تأسیسات و امکانات هسته‌ای و همچنین حمایت از برنامه هسته‌ای عراق و پاکستان بوده است. دوره دوم نیز از سال ۲۰۰۵-۲۰۰۶ آغاز شد و همچنان ادامه دارد. در این دوره، عربستان از راهبرد جدید آمریکا حمایت نموده و به دنبال استفاده از انرژی هسته‌ای با پذیرش شرط آمریکا مبنی بر کنار گذاشتن غنی‌سازی اورانیوم است.

#### ۱-۳. دوره اول: فعالیت‌های پنهانی

در این دوره، عربستان هر چند به دنبال برنامه و احتمالاً تسلیحات هسته‌ای بود، اما بنا به دلایلی موفقیت خاصی در این زمینه به دست نیاورد. در این سال‌ها معمولاً گزارش‌های تأیید نشده‌ای در مورد تلاش‌های عربستان برای به دست آوردن تسلیحات هسته‌ای مطرح می‌شد، اما هیچ‌گاه این گزارش‌ها به شکل رسمی تأیید نشدند. به عنوان مثال، می‌توان به اعترافات «محمد خیلوی» دیپلمات سابق عربستانی در این زمینه اشاره نمود که در سال ۱۹۹۴ به آمریکا فرار کرد. وی علیه کشور خود اطلاعاتی را منتشر کرد که البته هیچ‌گاه به شکل رسمی تأیید نشد. خیلوی با انتشار برخی اسناد مدعی شد کشورش از سال ۱۹۷۵ و به دنبال شکست اعراب در جنگ ۶ روزه، برنامه‌ای تحقیقاتی را برای ساخت بمب هسته‌ای و مقابله با اسرائیل آغاز کرده است. وی مدعی شد برنامه هسته‌ای عربستان تحت مدیریت و نظارت «شاهزاده سلطان بن عبدالعزیز آل سعود» وزیر دفاع آن زمان شکل گرفته و در



۱۶۶

سال اول  
شماره ۱  
بهار ۱۳۹۱

«مرکز تحقیقات هسته‌ای الخرج» واقع در «مجتمع نظامی السلیل» به اجرا درآمده است. طبق این برنامه، متخصصان هسته‌ای خارجی برای کار در زمینه دانش هسته‌ای و همچنین برنامه ساخت تسلیحات هسته‌ای با حقوق‌های فوق‌العاده بالا استخدام شده‌اند. وی اعلام نمود عربستان برای به دست آوردن نیروی انسانی مورد نیاز، کارشناسانی را برای کسب آموزش به تأسیسات ساخت تسلیحات هسته‌ای پاکستان و عراق اعزام نموده است. وی همچنین مدعی شد عربستان در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ کمک‌های مالی بسیاری به برنامه‌های ساخت بمب هسته‌ای پاکستان و عراق نموده است.

پس از گذشت چندی از اعترافات خیلوی، بحث هسته‌ای عربستان سعودی برای مدتی مسکوت ماند. با این وجود، در سال‌های بعد اتفاقاتی روی داد که دوباره موضوع همکاری هسته‌ای عربستان و پاکستان را مطرح کرد. عده‌ای از کارشناسان مدعی شدند همزمانی شروع برنامه‌های تسلیحاتی پاکستان با برنامه‌های عربستان، نشانه‌ای از همکاری هسته‌ای دو کشور است. به باور بسیاری، کمک‌های مالی عربستان به پاکستان در دهه ۱۹۸۰ پوششی برای تأمین منابع مالی برنامه هسته‌ای و تسلیحاتی این کشور بوده است (Arabia Saudia on working... 2006). دیدار شاهزاده سلطان بن عبدالعزیز، وزیر دفاع وقت عربستان، در سال ۱۹۹۹ از تأسیسات هسته‌ای و موشکی پاکستان در «کاهوتا» معروف به آزمایشگاه‌های عبدالقدیرخان نیز سوءظن‌ها در این زمینه را افزایش داد. بعلاوه سفر عبدالقدیرخان در نوامبر همان سال به عربستان به بهانه شرکت در سمپوزیوم منابع اطلاعات در جهان اسلام، تردیدها درباره اهداف هسته‌ای ریاض را تشدید کرد. همچنین در سال ۲۰۰۲ یکی از اعضای خاندان سعودی به همراه نمایندگانی از لیبی و کره شمالی مهمان ویژه مراسم شلیک آزمایشی «موشک قائوری» پاکستان بودند که این دیدار برای چندمین بار باعث طرح اتهاماتی علیه عربستان شد (Saudi Arabia's nuclear program: 2006).

علاوه بر همکاری احتمالی هسته‌ای عربستان و پاکستان، گزارش‌هایی نیز در مورد روابط هسته‌ای عربستان و عراق وجود دارد. گفته می‌شود بخش مهمی از کمک‌های میلیاردی عربستان به عراق صرف ساختن و پیشبرد برنامه هسته‌ای در «اوسیراک» شده است (لفورکی، ۱۳۸۸). با این وجود هیچ‌گاه سندی در ارتباط با همکاری هسته‌ای عربستان و عراق منتشر نشد. بنابراین، دوره اول را می‌توان تلاش پنهانی عربستان برای کمک به پیشبرد برنامه هسته‌ای پاکستان و عراق در راستای گرفتن کمک فنی از این دو کشور ارزیابی نمود که در نهایت نتیجه و برآیند خاصی نداشت.



## ۲-۳. دوره دوم: پذیرش الگوی آمریکا

مرحله دوم سیاست هسته‌ای عربستان، از سال ۲۰۰۵ آغاز شد. در این سال، سیاست عربستان در زمینه هسته‌ای مطابق با تغییر راهبرد هسته‌ای آمریکا دچار تغییرات محسوسی شد. در این سالها دولت بوش تحت تأثیر برنامه هسته‌ای ایران و برای تحت فشار قرار دادن ایران، به تشویق الگوی خاص در منطقه خاورمیانه پرداخت. مقامات عربستان سعودی مانند سایر کشورهای منطقه به شدت از راهبرد جدید دولت آمریکا حمایت نمودند و آن را الگویی نمونه برای استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای ارزیابی کردند.

در مورد علل و انگیزه‌های عربستان سعودی در حمایت از الگوی آمریکا، دلایل متعددی می‌توان ذکر نمود. در این زمینه عموماً به هسته‌ای بودن اسرائیل، اهمیت داشتن انرژی هسته‌ای و نقش آن در افزایش پرستیز کشورها اشاره می‌شود. البته با توجه به شواهد موجود و اظهارات مستقیم مقامات عربستانی می‌توان گفت برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، مهم‌ترین انگیزه تغییر سیاست هسته‌ای این کشور بوده است. به عنوان نمونه می‌توان به سخنان وزیر امور خارجه عربستان اشاره نمود. وی بارها با انتقاد از فقدان شفافیت در برنامه هسته‌ای ایران، نگرانی‌های خود در این زمینه را اعلام نموده است. این نگرانی‌ها بیشتر به واسطه پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران و پیامدهای راهبردی آن برای توازن قدرت منطقه‌ای و تحولات روی داده در سطح منطقه در چند سال گذشته است. از جمله این تحولات می‌توان به سقوط رژیم بعث به عنوان نیروی متوازن‌کننده ایران، قدرت‌گیری حزب‌الله در لبنان، تقویت روابط حماس با ایران و در نتیجه افزایش چشمگیر نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران اشاره نمود. طرح مواردی چون «هلال شیعی» و ترس مقامات سعودی از افزایش قدرت شیعیان منطقه در کشورهایی چون لبنان، عراق، بحرین، کویت را می‌توان به مجموعه نگرانی‌های عربستان اضافه نمود. بنابراین به آسانی می‌توان درک کرد که برنامه هسته‌ای عربستان با چه اهدافی دنبال می‌گردد. در این راستا در ادامه، توافقات هسته‌ای عربستان با آمریکا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۳-۳. توافقات هسته‌ای عربستان

ایالات متحده آمریکا و عربستان سعودی در زمان دولت بوش موافقت‌نامه هسته‌ای امضا نمودند، که دقیقاً مفاد آن با توافق هسته‌ای آمریکا و امارات متحده یکسان است. این موافقت‌نامه که در خلال برگزاری جشن هفتاد و پنجمین سالگرد روابط دیپلماتیک دو کشور منعقد شد، ایالات متحده را به حمایت از برنامه هسته‌ای عربستان سعودی متعهد می‌کند. در



۱۶۸

سال اول  
شماره ۱  
بهار ۱۳۹۱

مقابل، عربستان سعودی متعهد می‌شود به شکل داوطلبانه از داشتن چرخه سوخت هسته‌ای انصراف دهد. در این موافقت‌نامه ذکر شده، عربستان سعودی برای ایجاد تضمین‌های لازم به هیچ عنوان اجازه غنی‌سازی اورانیوم در خاکش را نخواهد داد. بعلاوه عربستان سعودی تعهد داده با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نهایت همکاری را داشته باشد. به خصوص آمریکایی‌ها در چنین توافقاتی به دنبال گرفتن تعهد کشور میزبان برای امضای پروتکل الحاقی و پروتکل «کمیت اندک» آژانس هستند. همچنین در موافقت‌نامه ذکر شده، هر وقت آمریکایی‌ها درک کنند که طرف عربستانی به تعهداتش پایبند نیست و یا این که از کمک‌های ارائه‌شده در مسیر غیرصلح‌آمیز استفاده می‌کند، آمریکا می‌تواند به شکل یک طرفه، موافقت‌نامه را فسخ کند. پس از امضای توافق‌نامه، سران کاخ سفید بارها از آن به عنوان الگویی از برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز در سطح منطقه یاد نمودند. همین مسئله نشان می‌دهد این توافقات با برنامه هسته‌ای ایران بی‌ارتباط نیست. به عنوان مثال، در اعلامیه رسمی ۱۶ مه ۲۰۰۸ کاخ سفید در مورد توافق‌نامه هسته‌ای آمریکا و عربستان عنوان شده:

«این موافقت‌نامه راه دستیابی به سوخت امن و مطمئن برای راکتورهای هسته‌ای عربستان سعودی را هموار خواهد ساخت و پشتتازی این کشور به عنوان یک «الگوی مثبت عدم‌گسترش تسلیحات هسته‌ای» را برای منطقه به نمایش می‌گذارد» (Saudi Arabia Nuclear Program, 2008).

عربستان سعودی تحت فشار آمریکا و برای نمایش مجدد تعهد، به «طرح امنیت گسترش تسلیحات هسته‌ای» ملحق شد. طرح امنیت گسترش تسلیحات هسته‌ای با مشارکت ۸۵ کشور در سال ۲۰۰۳ توسط ایالات متحده برای ردیابی و متوقف کردن محموله‌های ممنوع تسلیحاتی در سرتاسر جهان پایه‌گذاری شده است. عربستان سعودی همچنین به «طرح جهانی مبارزه با تروریسم هسته‌ای» پیوسته است. این طرح در سال ۲۰۰۶ توسط بوش و ولادیمیر پوتین و با مشارکت ۷۰ کشور به منظور تقویت کنترل و تسهیل همکاری‌های جهانی برای امنیت هسته‌ای تأسیس شد. پذیرش این محدودیت‌ها از سوی عربستان سعودی، در راستای راهبرد هسته‌ای آمریکا در منطقه مبنی بر گسترش یک الگوی جدید در مقابل الگوی ایران قرار دارد (McKeeb, 2008: 1).

عربستان سعودی علاوه بر ایالات متحده آمریکا با سایر کشورهای غربی نیز همکاری هسته‌ای دارد. به عنوان نمونه می‌توان به همکاری‌های هسته‌ای عربستان و فرانسه اشاره کرد. چندی پیش عربستان سعودی برای تسریع در فرایند هسته‌ای شدن از فرانسه درخواست کرد به این کشور در زمینه استفاده از انرژی هسته‌ای یاری رساند. در سفر

ملک عبدالله به فرانسه در سال ۲۰۰۷ مذاکرتی بین دوطرف برای انعقاد توافق هسته‌ای صورت گرفت که البته به نتیجه ملموسی نرسید (McKeeb, 2008: 2). برای ادامه مذاکرات در سال ۲۰۰۸ سارکوزی رییس جمهور پیشین فرانسه از عربستان دیدار نمود که این مسئله به نزدیک شدن دیدگاه‌های دو کشور کمک نمود. در این دیدار سارکوزی پیش‌نویس توافق هسته‌ای پیشنهادی فرانسه را برای بررسی بیشتر به طرف عربستانی تحویل داد (www.gulf-daily-news.com). مجلس عربستان پس از گذشت ۲ سال بررسی طرح ارائه‌شده، در سال ۲۰۱۰ با مفاد توافق هسته‌ای موافقت نمود. اگر چه دو طرف اعلام نموده‌اند توافق هسته‌ای برای استفاده از انرژی هسته‌ای به شکل صلح‌آمیز است، اما تاکنون جزئیات آن را به شکل رسمی اعلام ننموده‌اند. تنها در اعلامیه دولت فرانسه به حمایت از برنامه صلح‌آمیز عربستان اشاره شده؛ اما توضیحات بیشتری در مورد چگونگی کمک ارائه نشده است. همین مسئله باعث ایجاد مباحثی در بین کارشناسان در ارتباط با مفاد و اهداف این توافق شده است (Saudi Arabia to Ink Nuclear Deal with France, 2010).

#### ۴. برنامه هسته‌ای کویت

کویت انگیزه کمتری برای پی‌گیری سیاست‌های هسته‌ای در مقایسه با کشورهای همچون امارات متحده عربی و عربستان داشته است. در نتیجه، کویت از نظر برنامه ملی بسیار عقب‌تر از کشورهای دیگر منطقه است. با این وجود این کشور نیز با تأخیری چند ساله نسبت به سایر کشورهای عضو شورا، در سال ۲۰۰۹ اقداماتی را در این زمینه در دستور کار قرار داد. در این سال، کابینه کویت لایحه ایجاد «کمیسیون انرژی هسته‌ای ملی»<sup>۱</sup> را تصویب نمود. بر اساس مفاد این لایحه، کمیسیون انرژی به رهبری نخست‌وزیر مسئولیت تمامی ابعاد برنامه هسته‌ای کشور را بر عهده می‌گیرد. از جمله وظایف این کمیسیون، تدوین راهبرد هسته‌ای کویت و قواعد و مقررات لازم و همچنین اجرای برنامه‌ها زیر نظر مستقیم «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» است (Kuwait to form nuclear energy commission, 2009).

کویت نیز مانند سایر کشورهای منطقه از راهبرد هسته‌ای جدید دولت آمریکا در منطقه خاورمیانه حمایت نموده است. بعلاوه این کشور همچون عربستان، امارات و بحرین، یادداشت تفاهم هسته‌ای طرح الگوی آمریکا را امضا نموده است. در یادداشت تفاهم





آمریکا و کویت، به مانند سایر توافقات هسته‌ای آمریکا، پیشنهادهایی ارائه شده است. این پیشنهادات شامل تدوین چارچوبی برای همکاری قانونی و ساختاری در زمینه هسته‌ای، تأمین مواد هسته‌ای، حمایت از خطرات ناشی از تشعشعات رادیواکتیو و حفاظت از محیط زیست، مسائل بهداشتی و سلامت، راه‌های کنترل زباله‌هایی که تشعشعات سطح پایین و متوسط دارند و بهترین راه‌های ممکن برای اداره نیروگاه‌های هسته‌ای می‌گردد.

بعلاوه در این یادداشت تفاهم همان مواد و بندهایی وجود دارد که در یادداشت تفاهم آمریکا با امارات متحده و عربستان آمده است. در این توافق، کویت پذیرفته از حق داشتن چرخه کامل سوخت انصراف دهد. براساس توافق حاصل شده، این کشور حق هیچ‌گونه غنی‌سازی در خاکش را نخواهد داشت. همچنین کویت متعهد شده نظارت بیشتری بر مرزهایش داشته باشد. نگرانی آمریکا از انتقال بعضی از مواد و امکانات هسته‌ای به سایر کشورها، عامل اصلی گنجانده شدن این بند در موافقت‌نامه است. ضمن اینکه کویت متعهد شده برای تضمین هر چه بیشتر عدم اشاعه هسته‌ای و یا احتمال انتقال مواد حساس به سایر کشورها، قانونی در سطح ملی برای نظارت بر صادرات و واردات تدوین نماید. کویت همچنین مانند سایر کشورهای پذیرنده همکاری هسته‌ای با آمریکا، پذیرفته همکاری کاملی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی داشته باشد. امضای پروتکل الحاقی و پروتکل «کمیت اندک» و سایر نوآوری‌هایی که به شکلی نظارت آژانس بر برنامه هسته‌ای کشورها را افزایش می‌دهد، در این راستا قرار دارد (Kuwait Nuclear Program, 2008).

با توجه به مفاد توافق‌نامه کویت با آمریکا، باید گفت این توافق نیز در ادامه اجرای راهبرد هسته‌ای جدید آمریکا قرار دارد. سخنان مقامات آمریکایی پس از امضای این یادداشت تفاهم این مسئله را تأیید می‌کند. به عنوان مثال، «توماس دی آگوستینو»<sup>۱</sup> مدیر «انجمن ملی امنیت هسته‌ای آمریکا» که از طرف آمریکا مسئولیت امضای یادداشت تفاهم را بر عهده داشت اعلام کرده:

«امضای یادداشت تفاهم بین آمریکا و کویت گام مهمی در مسیر تقویت روابط دوجانبه در مسایل مربوط به تأمین مواد هسته‌ای و منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای است. کویت با امضای این یادداشت تفاهم نشان داد که می‌تواند به همراه سایر کشورهای منطقه، الگوی خوبی از کشورهایهایی باشد که از انرژی هسته‌ای به شکل صلح‌آمیز استفاده می‌کنند» (Kuwait Nuclear Program, 2008).

## ۵. برنامه هسته‌ای بحرین

بحرین از دیگر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس است که با راهبرد جدید هسته‌ای آمریکا همراهی نموده است. این کشور مانند عربستان سعودی، امارات متحده عربی و کویت از الگوی هسته‌ای آمریکا در منطقه حمایت کرده است. در ارتباط با توانمندی و برنامه‌های هسته‌ای بحرین باید گفت که این کشور تقریباً فاقد هرگونه امکانات، تأسیسات و نیروی انسانی است. تنها فعالیت‌های محدود این کشور در عرصه هسته‌ای به همکاری با آژانس برمی‌گردد. با این وجود، با طرح برنامه هسته‌ای ایران و نگرانی سایر کشورهای منطقه از جمله عربستان و امارات از برنامه صلح‌آمیز ایران، بحرین نیز به فکر به دست آوردن توانمندی‌هایی در این حوزه افتاد. این کشور خیلی زود از راهبرد آمریکا در زمینه ارائه الگوی جدید در زمینه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای استقبال نمود. در نتیجه، در ۲۵ مارس ۲۰۰۸ «کاندولیزا رایس» وزیر امور خارجه پیشین آمریکا و «شیخ خالد» وزیر خارجه بحرین موافقت‌نامه‌ای در زمینه انرژی هسته‌ای امضاء کردند. در بیانیه وزارت امور خارجه آمریکا در ارتباط با انگیزه‌های آمریکا از بستن چنین موافقت‌نامه‌ای آمده است:

«این توافق‌نامه جلوه ملموسی از تمایل ایالات متحده به مشارکت با کشورهای خاورمیانه است که تمایل به گسترش نیروی هسته‌ای صلح‌آمیز به صورت هماهنگ با بالاترین استانداردهای امنیتی، حفاظتی و منع‌گسترش تسلیحات هسته‌ای را دارند. در نتیجه، هدف آمریکا از چنین موافقت‌نامه‌هایی، ارائه آن به عنوان الگویی برای دستیابی مسئولانه به مزایای فن‌آوری هسته‌ای بدون احتمال سوءاستفاده است. همچنین این موافقت‌نامه، منعکس‌کننده تعهد بحرین در الگو بودن در منطقه است. به ویژه که این کشور صراحتاً اعلام نموده مایل است از فن‌آوری چرخه سوخت صرف‌نظر کند (Bahrain Nuclear Program, 2008).

توافق بحرین و آمریکا مشابه با موافقت‌نامه‌های عربستان، امارات و کویت است. در این موافقت‌نامه، بحرین نیز دقیقاً همان تعهداتی را پذیرفته که آمریکایی‌ها به دنبال جهانی نمودن آن هستند. مهم‌ترین تعهدات بحرین شامل موارد زیر است.

- بحرین مانند عربستان، امارات و کویت می‌پذیرد به شکل داوطلبانه از حق داشتن چرخه سوخت هسته‌ای انصراف دهد. این شرط به معنای آن خواهد بود که این کشور حق غنی‌سازی اورانیوم در خاکش را نخواهد داشت. در مقابل، آمریکایی‌ها متعهد می‌شوند سوخت مورد نیاز نیروگاه‌هایی که قرار است ساخته شوند را تأمین نمایند. بعلاوه بحرین متعهد می‌شود زباله‌های هسته‌ای را پس از مصرف با رعایت شرایط ایمنی دوباره به آمریکا



یا کشور دیگری که مسئولیت تأمین سوخت را بر عهده دارد بازگرداند.

- بحرین به مانند عربستان و امارات متعهد می‌شود برای جلوگیری از احتمال انتقال مواد و تأسیسات هسته‌ای به سایر کشورها به خصوص ایران، نظارت بیشتری بر خطوط مرزی و صادرات خود داشته باشد.

- بحرین متعهد می‌شود به تمامی پیمان‌ها و پروتکل‌های ناظر بر کنترل و بازرسی هسته‌ای چون پروتکل الحاقی و پروتکل «کمیت اندک» بپیوندد و همکاری کاملی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی داشته باشد. در راستای اجرای این بند، شیخ خالد وزیر امور خارجه بحرین «طرح جهانی مبارزه با تروریسم هسته‌ای»<sup>۱</sup> را امضا کرد (www.state.gov).

- در این موافقت‌نامه همچنین برای آمریکا حق انصراف از ادامه کمک در نظر گرفته شده است. بر این اساس، هرگاه آمریکایی‌ها احساس نمایند که طرف بحرینی به تعهدات خود پایبند نیست و یا این که از امکانات ارائه‌شده برای اهداف دیگری استفاده می‌کند، در این صورت آمریکا به شکل یک‌جانبه حق انصراف از ادامه همکاری را خواهد داشت. ملاک این امر برداشت آمریکایی‌ها خواهد بود (Bahrain Nuclear Program, 2008).

## ۶. برنامه هسته‌ای قطر

قطر تا اواخر دهه ۹۰ هیچ‌گونه تأسیسات هسته‌ای و قواعد حقوقی ناظر بر فعالیت‌های هسته‌ای نداشت. اما از سال ۱۹۹۸ این کشور سعی کرد قواعد حقوقی ناظر بر فعالیت‌های هسته‌ای را ایجاد نماید. از این سال به بعد، مسئولان قطری گفتگوهایی را در زمینه هسته‌ای با «دیدبان هسته‌ای سازمان ملل»<sup>۲</sup> آغاز نمودند. دیدبان هسته‌ای سازمان ملل سیستمی قانونی برای نظارت بر فعالیت‌های کشورهای عضو سازمان ملل است. قطری‌ها امیدوار هستند این نهاد به برنامه هسته‌ای آنها در زمینه‌های مختلف کمک کند. جالب آن که مسئولان قطری نیز اهداف خود در این زمینه را به دست آوردن برق هسته‌ای و همچنین نمک‌زدایی آب دانسته‌اند. در این زمینه می‌توان به سخنان «سعید احمد الخلیفه»<sup>۳</sup> مشاور ارشد «حفاظت هسته‌ای شورای عالی منابع طبیعی و محیط زیست»<sup>۴</sup> قطر اشاره نمود. وی مهم‌ترین هدف کشورش در این زمینه را استفاده از تکنولوژی هسته‌ای برای

۱. طرح جهانی مبارزه با تروریسم هسته‌ای شبکه‌ای عمل‌گرا و انعطاف‌پذیر از کشورهای متحد است که برای بررسی تمام جنبه‌های تهدید تروریسم هسته‌ای با هم همکاری می‌کنند

1. U.N. Nuclear Watchdog

2. Said Ahmad al-Khalibeh

3. Supreme Council for the Environment and Natural Reserves



نمک‌زدایی از آب و همچنین تولید انرژی پاک اعلام کرده است. این ادعا در شرایطی صورت می‌گیرد که قطر کشوری کوچک با جمعیت بسیار محدود است که از منابع نفت و گاز غنی برخوردار می‌باشد.

قطر نیز از همان الگوی سایر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در منطقه پیروی نموده است. سعید احمد الخلیفه برای کاهش نگرانی‌ها از برنامه هسته‌ای کشورش اعلام نموده، این کشور سوخت مورد نیاز را از خارج تأمین خواهد کرد. بنابراین، قطر مانند سایر کشورهای عرب حوزه خلیج فارس به شکل رسمی اعلان نموده از چرخه سوخت هسته‌ای انصراف می‌دهد. پذیرش این امر به معنای تأیید راهبرد هسته‌ای آمریکا در منطقه و حمایت از طرح الگوی این کشور می‌باشد. قطر همچنین از سال ۲۰۰۵ به بعد در قالب شورای همکاری خلیج فارس از اقدامات مشترک کشورهای عربی منطقه که با هدف استفاده از انرژی هسته‌ای صورت می‌گیرد، حمایت نموده است.

قطر در سال ۲۰۰۷ از کارشناسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درخواست کرد به این کشور در زمینه توسعه برنامه هسته‌ای و همچنین ایجاد ساختار حقوقی چنین فعالیتهایی یاری رساند. در این سال، کنفرانسی در زمینه ایجاد زیربناهایی حقوقی توسط کارشناسان آژانس در قطر برگزار شد (Fox, 2007: 7-9). همچنین قطری‌ها مذاکراتی با کره جنوبی و فرانسه داشته‌اند که تاکنون این تلاش‌ها دستاورد ملموسی نداشته است. با این وجود، یادداشت تفاهم بین قطر و فرانسه که چندی پیش منعقد شد زمینه را برای توافقات جدی دو کشور در آینده مهیا نموده است (UAE leads Gulf nuclear-power plans, 2010).

## ۷. برنامه هسته‌ای عمان

عمان از جمله معدود اعضای شورای همکاری خلیج فارس است که در زمینه هسته‌ای چندان فعال نیست. درآمدهای محدود این کشور و عدم نگرانی جدی از برنامه هسته‌ای ایران از جمله دلایل اصلی این امر هستند (Executive Summary: Oman, 2000: 3-5). همچنین عمان به نسبت سایر کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس روابط بهتری با جمهوری اسلامی ایران دارد. روابط دو کشور صرفاً در سطح سیاسی باقی نمانده و به سایر ابعاد نیز گسترش یافته است. در این زمینه می‌توان به تشکیل «کمیته مشترک نظامی» دو کشور و برگزاری جلسه سالانه این کمیته در تهران و مسقط، به عنوان نمادی از همکاری‌های مهم نظامی دو کشور یاد نمود. استفاده از تجارب یکدیگر و همچنین همکاری مشترک نظامی



در برپایی مانورها از دیگر زمینه‌های همکاری دو کشور است. این موارد نشان می‌دهد که عمان برخلاف سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، نگرانی چندانی از برنامه هسته‌ای ایران ندارد.

با این وجود، با شروع برنامه ملی تمامی کشورهای همسایه، عمان نیز فعالیت‌هایی را در این زمینه آغاز نموده است. البته برخلاف تمامی کشورهای عربی منطقه خلیج فارس، این کشور بیشتر با روسیه وارد مذاکره شده است. این در حالی است که دیگر کشورهای منطقه عمدتاً با کشورهای غربی وارد مذاکره شده‌اند. بستن قرارداد هسته‌ای عمان با روسیه در سال ۲۰۰۹ نشانه دیگری از سیاست متفاوت عمان در منطقه است. قرارداد عمان و روسیه به مانند سایر کشورهای منطقه در مورد همکاری هسته‌ای و ساخت نیروگاه تولید برق می‌باشد. به غیر از این، پیشرفت یا تحول خاص دیگری در برنامه هسته‌ای عمان مشاهده نمی‌شود (UAE leads Gulf nuclear-power plans, 2010).

#### ۸. برنامه هسته‌ای مصر

مصر از اولین کشورهای اسلامی محسوب می‌شود که سرمایه‌گذاری زیادی در انرژی هسته‌ای از دهه ۷۰ نموده است. با این وجود، این کشور در اواسط دهه ۸۰ به دلیل بروز «فاجعه چرنوبیل» و نگرانی از تکرار چنین حادثه‌ای، سایت هسته‌ای خود را تعطیل نمود. در سال‌های اخیر بویژه با آشکارشدن توانمندی‌های ایران، رهبران این کشور تمایل مجدد خود برای آغاز فعالیت‌های هسته‌ای را اعلام نموده‌اند. به عنوان نمونه در سپتامبر سال ۲۰۰۶ رئیس‌جمهور آن زمان مصر «حسنی مبارک» اعلام نمود این کشور برنامه هسته‌ای خود را دوباره آغاز خواهد کرد (Renewed Egyptian Ambitions for..., 2006).

مصر نیز مانند سایر کشورهای عربی، علت سرمایه‌گذاری در انرژی هسته‌ای را نیازهای کشور به انرژی برق عنوان نموده است. رشد میزان برق مصر حدود ۷ درصد است که تنها از طریق انرژی هسته‌ای می‌توان چنین رشدی را تأمین نمود. در سال ۲۰۰۶ مجلس این کشور از دولت خواست مقدمات تولید برق هسته‌ای را فراهم سازد. در حال حاضر مصر دارای دو راکتور تحقیقاتی کوچک است، اما این کشور فاقد نیروگاه هسته‌ای یا سایر تأسیسات و امکانات مهم است (Renewed Egyptian Ambitions for..., 2006).

در اکتبر سال ۲۰۰۷ حسنی مبارک اعلان کرد کشورش قصد دارد ۷ نیروگاه تولید برق تأسیس کند. بلافاصله این تصمیم مورد استقبال جامعه بین‌الملل واقع شد. کشورهای اروپایی، چین و روسیه از جمله کشورهایی بودند که پس از سخنان مبارک، تمایل جدی



خود را برای مشارکت در برنامه هسته‌ای مصر اعلام نمودند. در سال ۲۰۰۹ نیز دولت مصر اعلان نمود در حال بررسی توانمندی شرکت‌های مختلف بین‌المللی برای ساخت اولین نیروگاه تولید برق است. پس از انجام تحقیقات لازم در این زمینه، بالاخره یک شرکت استرالیایی - انگلیسی توانست نظر مصری‌ها را برای ساخت نیروگاه هسته‌ای جلب نماید. بر اساس توافقات حاصل‌شده، قرار است یک نیروگاه ۱۰۰۰ مگاواتی در مصر ایجاد شود. زمان شروع فعالیت نیروگاه سال ۲۰۱۷ در نظر گرفته شده است. بعلاوه مصری‌ها در حال حاضر در حال انجام تحقیقاتی برای بستن شش قرارداد دیگر در این زمینه هستند.

در مورد انگیزه‌های مصر برای شروع مجدد فعالیت‌های هسته‌ای در سطح منطقه، مباحث متفاوتی مطرح است. به شکل رسمی، دولت مصر علت اصلی این امر را بالارفتن مصرف انرژی و همچنین عدم داشتن ذخایر عظیم نفت و گاز اعلام نموده است. با این وجود، اکثر کارشناسان بر این باورند شروع مجدد برنامه هسته‌ای مصر، آن هم پس از گذشته چند دهه، به فعالیت‌های هسته‌ای ایران ارتباط دارد. در واقع، کشورهای بزرگ عربی چون مصر و عربستان نمی‌خواهند از کشورهای غیرعرب منطقه در زمینه انرژی هسته‌ای عقب بیفتند. بنابراین، مسائل مرتبط با حیثیت و پرستیز ملی در تصمیم مصر بسیار تأثیرگذار بوده است. ضمن این که کشورهای عربی عمدتاً به برنامه هسته‌ای ایران مشکوک هستند و آن را عاملی برای افزایش قدرت جمهوری اسلامی و برهم خوردن توازن منطقه‌ای می‌دانند. کشورهای عربی چون مصر به خوبی می‌دانند که طی چند سال گذشته، موازنه منطقه‌ای به سود جمهوری اسلامی به هم خورده است. بنابراین آنها نمی‌خواهند با هسته‌ای شدن ایران و عقب افتادن آنها در این زمینه، وضعیت از آن چه در حال حاضر وجود دارد بدتر شود (برزگر، ۱۳۸۷).

## ۹. برنامه هسته‌ای اردن

اردن از جمله کشورهای عربی است که به شدت به دنبال ارتقاء دانش هسته‌ای داخلی و ایجاد نیروگاه‌های هسته‌ای است. عوامل متعددی باعث افزایش انگیزه اردن در این زمینه شده‌اند. عدم وجود ذخایر نفت و گاز کافی، مهم‌ترین علت تمایل این کشور به داشتن انرژی هسته‌ای است. اردن برخلاف بسیاری از کشورهای خاورمیانه، فاقد ذخایر نفت و گاز است و برای تأمین نیاز داخلی چاره‌ای جز روی آوردن به واردات انرژی ندارد. رهبران

این کشور برای کاهش اتکا به نفت و گاز وارداتی، به انرژی هسته‌ای روی آورده‌اند. «خالد توکان» که از زمان تشکیل «کمیسیون انرژی اتمی اردن»<sup>۱</sup> در ماه مارس ۲۰۰۸ ریاست این نهاد را بر عهده داشته است، در این مورد می‌گوید:

«ما با سرعت به سمت استفاده از انرژی هسته‌ای غیرنظامی حرکت می‌کنیم. هدف ما کاهش وابستگی فزاینده کشورمان به واردات سوخت است و قصد داریم تا سال ۲۰۳۰ از واردکننده انرژی به صادرکننده برق تبدیل شویم. اردن هم اکنون ۹۵ درصد از نیازهای انرژی خود را از کشورهای خارجی وارد می‌کند. در سال ۲۰۰۷، هزینه‌های انرژی اردن به ۳ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار رسید که این رقم معادل ۲۴ درصد از کل واردات و ۲۰ درصد از تولید ناخالص داخلی ما را (۱۶ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار) تشکیل می‌دهد» (توافق هسته‌ای اردن و فرانسه، ۱۳۸۷).

«کمیسیون انرژی اتمی اردن» برنامه‌های ویژه‌ای را طراحی نموده که در صورت موفقیت، طی چند سال این کشور به میزان متناهی برق دست می‌یابد. بر اساس برنامه اعلامی، دولت اردن قصد دارد ۴ نیروگاه هسته‌ای تا سال ۲۰۲۵ ایجاد نماید. قرار است دو نیروگاه در جنوب این کشور در نزدیکی بندر عقبه تأسیس شود. ضمن این که دو نیروگاه دیگر در منطقه‌ای تحت عنوان «کراک»<sup>۲</sup> احداث می‌شوند. طبق اعلان رسمی دولت، هدف اصلی اردن تولید برق و به دست آوردن تکنولوژی لازم برای نمک‌زدایی از آب دریا با هدف تأمین آب شیرین مورد نیاز کشاورزی عنوان شده است.

ضمن اینکه پادشاه اردن خواهان آن شده که کشورش به مرکز بین‌المللی غنی‌سازی اورانیوم خاورمیانه تبدیل شود. رهبران این کشور بر این باورند که با توجه به ذخایر غنی اورانیوم، اردن بهترین کشور در منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود. اردن دارای ۸۰ هزار تن اورانیوم اثبات شده و ۱۰۰ هزار تن ذخایر فسفات است.

لازم به ذکر است که دولت اردن نیز یادداشت تفاهم هسته‌ای برگرفته از طرح الگوی آمریکا را امضا نموده است. یادداشت تفاهم اردن نیز از طرح الگوی آمریکا پیروی می‌کند و دقیقاً مشابه با توافقات هسته‌ای آمریکا با سایر کشورهای عربی است. با این وجود، رهبران این کشور محدودیت‌های یادداشت تفاهم هسته‌ای با آمریکا را بسیار سنگین دانسته‌اند و آن را هنوز تصویب نکرده‌اند. مهم‌ترین نگرانی اردن در این زمینه، شرط انصراف از غنی‌سازی اورانیوم در توافق‌نامه است. دولت اردن برای کاهش نگرانی آمریکایی‌ها اعلام نموده که

1. Jordan Atomic Energy Commission (JAEC)

1. Karak



علی‌رغم عدم پذیرش یادداشت تفاهم هسته‌ای با آمریکا، به دنبال استفاده غیرصلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای نیست (SAID, 2009).

این کشور در زمینه هسته‌ای با انگلستان، فرانسه و کانادا توافقاتی نیز داشته است. بیشتر این توافقات در مورد اکتشاف و استخراج منابع اورانیوم است. اردنی‌ها قصد دارند تمام معادن اورانیوم کشورشان را شناسایی نمایند و با جمع‌آوری تمامی اطلاعات، برنامه‌ریزی درستی برای استخراج آنها نمایند. طی مذاکراتی که چندی پیش بین اردن با فرانسه و انگلستان صورت گرفت، طرف اردنی در نهایت یک توافق هسته‌ای با فرانسه با هدف استخراج اورانیوم این کشور و ساخت یک نیروگاه هسته‌ای منعقد نمود. بر اساس این موافقت‌نامه، شرکت فرانسوی مسئولیت استخراج اورانیوم و ساخت نیروگاه هسته‌ای با قیمت بیش از ۱,۵ میلیارد دلار را بر عهده گرفته است (توافق هسته‌ای اردن و فرانسه، ۱۳۸۷).

بر اساس برنامه مدون «کمیته راهبردی انرژی اتمی اردن»، قرار است تا سال ۲۰۱۵ اولین نیروگاه هسته‌ای این کشور فعالیت خود را آغاز نماید. در این راستا و برای حل مشکلات اردن، شرکت فرانسوی «آروا» در اکتبر سال ۲۰۰۸ کار اکتشاف منابع اورانیوم در مرکز اردن را آغاز نموده است. مطالعات و تحقیقات صورت گرفته نشان می‌دهد که ۷۰ هزار تن سنگ کربنات در این منطقه وجود دارد. همچنین شرکت معدنی انگلیسی - استرالیایی «ریوتینتو» کار استخراج اورانیوم، توریم و زیرکونیوم در منطقه «وادی سهب العبیاد» واقع در مجاورت مرزهای عربستان سعودی را آغاز کرده است. شرکت چینی «سی‌ان‌ان‌سی» نیز در زمینه استخراج اورانیوم در دو منطقه «حمرا هوشا» در شمال و «وادی البایعه» در جنوب اردن فعالیت می‌کند (Habib, 2009).

قرار است اولین نیروگاه هسته‌ای اردن در جنوب این کشور در نزدیکی اسرائیل و مصر ساخته شود. در حال حاضر یک شرکت بلژیکی در مورد امنیت این منطقه در حال تحقیق است. اردنی‌ها اعلان نموده‌اند با هدف کاهش نگرانی‌ها، نتایج تحقیقات این شرکت را انتشار خواهند داد. در صورتی که مشکلی برای ساخت نیروگاه در این منطقه وجود نداشته باشد، تا سال ۲۰۱۷ نیروگاه ساخته و راه‌اندازی خواهد شد. این نیروگاه، ۱۰۰۰ مگاواتی خواهد بود و بخش از برق مورد نیاز اردن را تأمین خواهد کرد. کره جنوبی، روسیه و کانادا آمادگی خود را برای ساخت این نیروگاه اعلان نموده‌اند (Habib, 2009:1-2).

با این وجود، آمریکایی‌ها پادشاه اردن را تحت فشار قرار داده‌اند تا زمانی که یادداشت تفاهم طرح الگو را تأیید نکرده، قراردادی برای ساخت نیروگاه با کشور خاصی نبندد.



آمریکایی‌ها در این زمینه نگران هستند عدم پذیرش الگوی آمریکا از سوی اردن، سایر کشورها را تشویق کند که از پذیرش الگوی آمریکا امتناع کنند. به همین دلیل به شکل مداوم به عبدالله، پادشاه اردن، فشار می‌آورند تا یادداشت تفاهم هسته‌ای را تأیید نماید. اردنی‌ها در سال ۲۰۰۸ برای آن که از نگرانی‌ها بکاهند به آمریکا تعهد دادند نظارت بیشتری بر صادرات و قاچاق مواد هسته‌ای داشته باشند. همان‌طور که مشخص است، این تعهد در واقع بخشی از تعهداتی است که کشورهای چوچون امارات، بحرین، کویت و عربستان سعودی پذیرفته‌اند.

### ۱۰. برنامه هسته‌ای عراق

عراق از جمله کشورهایی است که در سال ۱۹۶۹ به ان پی تی پیوست. با این حال بسیاری از کارشناسان با توجه به شرایط داخلی و منطقه‌ای این کشور بر این باور بودند که به احتمال فراوان صدام حسین به دنبال ساخت تسلیحات هسته‌ای است. نیت و برنامه‌های بلندپروازانه حزب بعث و همچنین اختلافات کلان این کشور با همسایگان و با آمریکا، از جمله دلایل تلاش احتمالی عراق برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای محسوب می‌شدند. در نتیجه این امر، کشورهای غربی و به خصوص آمریکا و اسرائیل از طریق فعالیت‌های اطلاعاتی و مخفی به دنبال نظارت بر رفتار و عملکرد این کشور بودند. در دهه ۷۰ و ۸۰ گزارش‌های متعددی در مورد توان هسته‌ای عراق و تلاش این کشور برای ساخت تسلیحات هسته‌ای منتشر می‌شد. در نهایت، این گزارش‌ها در سال ۱۹۸۱ به حمله اسرائیل به سایت هسته‌ای اوسیراک منتهی شد. اما حتی این حمله نیز نتوانست از نگرانی غرب و به خصوص اسرائیل در مورد آینده برنامه هسته‌ای عراق بکاهد.

در دهه ۹۰ سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای غربی، عراق را فاقد هرگونه توان غنی‌سازی اورانیوم در سطح ساخت تسلیحات هسته‌ای می‌دانستند. با این حال آنها بر این باور بودند که صدام حسین به شکل قطعی به دنبال ساخت تسلیحات هسته‌ای است. مهم‌ترین دلیل این امر را تلاش عراق برای به دست آوردن تکنولوژی و امکانات هسته‌ای با هدف غنی‌سازی می‌دانستند. تلاش عراق برای به دست آوردن این امکانات در شرایطی بود که این کشور مرکزی برای مصرف اورانیوم غنی‌شده و تولید برق یا مصارف پزشکی نداشت. ضمن اینکه صدام حسین در جنگ علیه ایران با استفاده از انواع تسلیحات شیمیایی و میکروبی نشان داده بود که قائل به هیچ‌گونه محدودیتی در استفاده از تسلیحات کشتار جمعی نیست. افزون بر این، در اواخر دهه ۸۰ گزارش‌هایی منتشر می‌شد مبنی بر این که دولت عراق در پوشش



شرکت‌های خارجی و غیرعراقی به دنبال به دست آوردن امکانات و تکنولوژی هسته‌ای در کشورهای اروپایی است (Early Western Assessments..., 2012).

در دهه ۹۰، کارشناسان غربی بر این باور بودند که عراق برای ساخت تسلیحات هسته‌ای با دو چالش عمده روبرو است. اول، تولید مواد حساس شکافت‌پذیر همانند اورانیوم ۲۳۵ و یا پلوتونیوم که برای تولید نسل اول بمبهای اتمی مورد نیاز است. دوم، تولید ابزاری که بتواند شکافت هسته‌ای ایجاد نماید و باعث واکنش زنجیره‌ای هسته‌ای شود. مرحله دوم، نظامی کردن هسته‌ای نامیده می‌شود. البته عراق در هر دو مرحله اقدامات مهم و قابل توجهی انجام داده بود. بر اساس گزارش‌هایی که بعدها منتشر شد، دولت عراق برای تسریع در فرایند هسته‌ای شدن، کار را بین چهار گروه عمده تقسیم کرده بود. تمامی این گروه‌ها در چارچوب آژانس انرژی اتمی عراق فعالیت می‌کردند. گروه اول، مسئولیت تولید اورانیوم ۲۳۵ به وسیله سانتریفیوژ را بر عهده داشت. گروه دوم، این عمل را با شیوه‌های شیمیایی و الکترومغناطیسی انجام میداد. گروه سوم، مسئولیت طراحی کامپیوتری را بر عهده داشت و گروه چهارم نیز مسئولیت نظامی کردن این برنامه‌ها را بر عهده گرفته بود.

به هر حال، با حمله عراق به کویت و حضور آمریکا در منطقه، فضا برای نظارت بیشتر بر برنامه هسته‌ای عراق و نظارت‌هایی که بر اساس قطعنامه شورای امنیت صورت می‌گرفت مهیا شد. با این وجود، مقاومت‌های عراق و بهانه‌تراشی‌های ناظران باعث شد که عملاً مشکلات موجود حل و فصل نشود. در نهایت، آمریکا به بهانه تلاش دولت عراق برای ساخت تسلیحات هسته‌ای و عدم همکاری کامل رژیم بعث با ناظران بین‌المللی به این کشور حمله کرد. اما پس از حمله آمریکا هیچ‌گونه دلیل و شاهدهی خاصی در زمینه تلاش دولت عراق برای ساخت تسلیحات هسته‌ای کشف نشد.

پس از حمله آمریکا به عراق، گروهی تحت عنوان «گروه مطالعه و بازدید عراق»<sup>۱</sup> تشکیل شد تا واقعات را در مورد توان هسته‌ای عراق مشخص کند. این گروه پس از مطالعه و تحقیق از سایت‌ها و مراکز هسته‌ای عراق، به این نتیجه رسید که این کشور تا سال ۱۹۹۰ هیچ‌گونه موفقیت جدی در زمینه هسته‌ای نداشته است. این گروه با قاطعیت اعلان نمود که هیچ‌گونه سند و مدرکی جدی برای اثبات انحراف هسته‌ای عراق وجود ندارد. با این حال، این گروه اعلام کرد عدم پیشرفت هسته‌ای عراق به معنای نبود نیت و هدف ساخت تسلیحات هسته‌ای نیست. شواهد و مدارک نشان می‌دهد که دولت عراق و به خصوص شخص صدام حسین برای تضمین بقا و برتری در منطقه به دنبال ساخت تسلیحات هسته‌ای

بوده است، اما نظارت‌های بین‌المللی و تلاش‌های صورت گرفته از سوی کشورهای غربی مانع از تحقق این امر شده است (Post-War Nuclear Assessments Iraq..., 2012). در دوران اشغال عراق با توجه به شرایط داخلی، بحث هسته‌ای عملاً مسکوت ماند، اما با خروج آمریکا دوباره بحث برنامه هسته‌ای عراق مطرح شده است. در آخرین مورد، دولت جدید عراق اعلان نمود قصد دارد برنامه هسته‌ای خود را زیر نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی آغاز نماید و حقوق هسته‌ای از دست رفته عراق را دوباره بازیابد.

### ۱.۱. برنامه هسته‌ای سوریه

سوریه از اعضای پیمان منع گسترش تسلیحات اتمی محسوب می‌شود. این کشور موافقت‌نامه تضمین استاندارد اتمی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را امضا نموده است، اما تاکنون پروتکل الحاقی را امضا نکرده است. به زعم کشورهای غربی و آژانس انرژی اتمی، سوریه با امتناع از امضای پروتکل الحاقی در واقع از پذیرش شرایط نظارت بین‌المللی استنکاف نموده و این امر باعث برانگیختن تردیدهای زیادی در مورد برنامه‌های اتمی این کشور شده است. سوریه، برنامه‌های اتمی خود را از سال ۱۹۷۹ و بدون اطلاع آژانس انرژی اتمی آغاز نمود. با این وجود، طبق پاره‌ای از تحقیقات انجام شده، این کشور از لحاظ منابع و امکانات اتمی وضعیت مطلوبی ندارد (Syria Profile, Overview, 2012). تعداد و نوع تجهیزات و امکانات اتمی سوریه تاکنون نامعلوم بوده، اما آنچه مشخص است تمامی این امکانات و تجهیزات در این جهت تدارک دیده شده‌اند تا علوم و صنعت این کشور توسعه پیدا کند. در سال ۲۰۰۴ وزارت دفاع سوئد در ارتباط با برنامه هسته‌ای سوریه اعلام نمود: «برخلاف اتهامات کشورهای غربی، تمامی اطلاعات موجود نشان می‌دهد سوریه در حال حاضر تمامی برنامه‌های هسته‌ای خود را بر امور غیرنظامی متمرکز نموده است. سوریه هیچگونه برنامه نظامی اتمی نداشته است» (Syria nuclear document, 2008).

ضمن این که سوریه همکاری‌های خوبی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دارد. به عنوان مثال، چند سال پیش شش هیأت از نیروهای آژانس با هدف مکان‌یابی جهت راه‌اندازی راکتورهای تحقیقاتی به این کشور اعزام شدند. پس از انجام یک سری مطالعات زمین‌شناسی و جغرافیایی گسترده، سه نقطه جغرافیایی در نزدیک دمشق جهت احداث سایت تحقیقاتی شناسایی شدند. همچنین با هدف تربیت نیروی متخصص در زمینه هسته‌ای، یک دوره بهره‌وری راکتور توسط آژانس برای دانشمندان سوری در لهستان برگزار گردید. طی



این دوره، ده دانشمند سوری در این مرکز آموزش دیدند. در ادامه روند همکاری‌های سازمان بین‌المللی انرژی اتمی و کشور سوریه، آژانس در سال ۱۹۹۹ موافقت خود را برای احداث یک کارخانه تحقیقاتی گسترده در «دیر الحجار»<sup>۱</sup> اعلام کرد. این پروژه با همکاری سازمان انرژی اتمی سوریه در سال ۲۰۰۷ تکمیل گردید و مورد بهره‌برداری قرار گرفت (Radioactive Waste Management Facility, 2009).

با وجود این همکاری‌ها، نیروهای اسرائیلی در سال ۲۰۰۷ تأسیسات هسته‌ای سوریه در نزدیکی «دور الزور» را منهدم نمودند. این تأسیسات که با عنوان «الکبار» شناخته می‌شوند توسط نیروهای امنیتی اسرائیل و آمریکا کشف شده بودند. آژانس انرژی اتمی در سال ۲۰۰۸ از این سایت بازدید کرد، اما تحقیقات درباره اهداف وجودی این سایت ناتمام مانده است (Normark, 2004).

سوریه همچنین همکاری‌های هسته‌ای با روسیه دارد. در سال ۱۹۸۹ سوریه کمک‌های مالی فراوانی از شوروی جهت ساخت یک راکتور تحقیقاتی ۱۰۰۰ مگاواتی دریافت نمود. با این وجود نتیجه و برآیند کار به نحوی بود که به ساخته شدن یک راکتور ۳۰۰ مگاواتی منجر گردید. در اکتبر سال ۱۹۹۰ اعتبارات لازم برای ساخت این راکتور تأمین و ساخت آن آغاز گردید. سایر همکاری‌های هسته‌ای بین روسیه و سوریه چندان شفاف نیست و اطلاعات مستند بیشتری در این زمینه وجود ندارد (Nuclear Weapons Programs, 2012).

## نتیجه‌گیری

مطالعه و بررسی برنامه‌های هسته‌ای کشورهای عربی نشان‌دهنده دو روند در دو مقطع زمانی مختلف و همچنین دو الگوی متفاوت است. بیشتر کشورهای عربی عمدتاً تا سال ۲۰۰۳ و تا پیش از اعلان برنامه هسته‌ای ایران، از سیاست آمریکا در منطقه مبنی بر عدم سرمایه‌گذاری در برنامه‌های هسته‌ای پیروی می‌کردند. در این زمینه می‌توان به سیاست‌های تمامی اعضای شورای همکاری خلیج فارس اشاره کرد. این کشورها تقریباً تا سال ۲۰۰۳ هیچ‌گونه تلاش جدی برای داشتن برنامه‌های هسته‌ای به شکل مسالمت‌آمیز یا نظامی نداشته‌اند. البته بر اساس برخی گزارش‌های تأیید نشده، عربستان سعودی تلاش‌هایی در این زمینه داشته، اما موفقیت چندانی نصیب این کشور نشده است. در مقابل، برخی دیگر از کشورهای عربی بنا به دلایلی به دنبال سرمایه‌گذاری در برنامه هسته‌ای بوده‌اند. عراق، سوریه و مصر از جمله این کشورهای عربی محسوب می‌شوند که

علی‌رغم سیاست آمریکا به دنبال استفاده از انرژی هسته‌ای بودند. در بین این سه کشور، احتمالاً عراق در زمان صدام حسین بیشترین تلاش را برای ساخت تسلیحات هسته‌ای داشته است و مصر بیشتر به دنبال استفاده از انرژی هسته‌ای در راستای مصارف صلح‌آمیز بوده است.

در مقابل، از سال ۲۰۰۳ به بعد و به دنبال آشکارشدن توانایی ایران در زمینه هسته‌ای، سیاست آمریکا در منطقه تغییر کرد، در نتیجه این امر، کشورهای عربی در سیاست هسته‌ای خود تغییراتی دادند. آمریکا با هدف تحت فشار قرار دادن ایران و تضعیف الگوی آن، به دنبال مطرح کردن الگوی جدید در منطقه است. در این الگوی جدید که از زمان بوش آغاز و در زمان اوباما همچنان ادامه یافته است؛ دولت آمریکا به شرط انصراف کشورهای عربی از غنی‌سازی در داخل، از برنامه هسته‌ای و تولید برق هسته‌ای حمایت می‌کند. در واقع، هدف اصلی آمریکا از ارائه این طرح، ایجاد الگوی بی‌خطری برای اسرائیل و غرب در مقابل الگوی ایران است.

کشورهای عربی در برابر راهبرد جدید آمریکا سیاست‌های متفاوتی را در پیش گرفته‌اند. برخی از این کشورها، به خصوص کشورهایی که نزدیکی جغرافیایی بیشتری به ایران دارند، الگوی آمریکا را در راستای منافع خود ارزیابی نموده‌اند. در این زمینه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با توجه به نگرانی‌هایی که دارند و ناتوانی داخلی در زمینه انرژی هسته‌ای، الگوی آمریکا را فرصتی برای استفاده از انرژی هسته‌ای و تلاشی برای تضعیف برنامه هسته‌ای ایران ارزیابی نموده‌اند. این کشورها به استثنای عمان، همگی به الگوی آمریکا پیوسته‌اند و تاکنون موافقت‌نامه‌های متعددی را با آمریکا منعقد نموده‌اند. در مقابل، کشورهایی همچون اردن و مصر با توجه به شرایط داخلی و منطقه‌ای تلاش نموده‌اند که برنامه هسته‌ای خود را به شکلی دیگر و بدون از دست دادن حق غنی‌سازی اورانیوم در داخل تعقیب کنند. این کشورها به خوبی به این موضوع آگاهی دارند که هرگونه توافق در زمینه کنار گذاشتن حق غنی‌سازی اورانیوم، در نهایت آنها را برای همیشه به واردات این تکنولوژی هسته‌ای وابسته خواهد کرد.



## منابع

احمدی لفورکی، بهزاد (۱۳۸۸) «عربستان سعودی و استراتژی دستیابی به انرژی هسته‌ای»، رجوع کنید به تارنمای زیر:  
<http://www.hawzah.net/Hawzah/Magazines/MagArt.aspx?MagazineNumberID=7108&id=864>  
 برزگر، کیهان (۱۳۸۷) «ایران، عراق جدید و نظام سیاسی - امنیتی خلیج فارس»، تهران: معاونت پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی.

توافق هسته‌ای اردن و فرانسه (۱۳۸۷)، رجوع کنید به تارنمای زیر:

[http://www.aftab.ir/news/2008/apr/13/c1c1208103211\\_politics\\_diplomacy\\_france.php](http://www.aftab.ir/news/2008/apr/13/c1c1208103211_politics_diplomacy_france.php)

جکسون، رابرت و سورنسون، گئورک (۱۳۸۳) «درآمدی بر روابط بین‌الملل»، ترجمه: مهری ذاکریان و دیگران، تهران: نشر میزان، چاپ اول.

رضائی، علیرضا (۱۳۸۸) «تبیین چالش‌های نظام بین‌الملل پس از فروپاشی ساختار دوقطبی»، تز دکتری تخصصی روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

Alexander Wendt (1999), “**Social Theory of International Politics**”, Cambridge, Cambridge University Press.

Anthony H. Cordesman, “Vivek Kocharalakota and Adam Seitz (2010), **Iranian Strategic Competition with the US: The Military Dimension**”, available at: <http://csis.org/publication/iranian-strategic-competition>.

Bahrain Nuclear Program (2008), av ailable at: <http://www.america.gov/st/texttransenglish/2008/March/20080325101722eafas0.182461.html>.

Chen Kane and Dominic Monetta (April 2009), “Assessing the Viability, Feasibility and Sustainability of Proposed New Nuclear Power Programs in the Middle East - United Arab Emirates (UAE)”, Unpublished Paper prepared for the U.S. Department of Energy.

Christopher M. Blanchard and Paul K. Kerr (December 2009), “The United Arab Emirates Nuclear Program and Proposed U.S. Nuclear Cooperation”, available at: <http://www.fas.org/sgp/crs/nuke/R40344.pdf>.



- CRS meeting with Abu Dhabi Executive Authority and Emirates Nuclear Energy Corporation representatives (December 2008), Abu Dhabi.
- David McKeib(2008), “United States Supports Saudi Arabian Civil Nuclear Program Energy, security top agenda in Bush’s second stop on Mideast visit”, available at: <http://www.america.gov/st/peacesecenglish/2008/May/20080516160353idybeekcm0.3394586.html>.
- E.H Carr (1939), “**the Twenty Years Crisis: An Introduction to the Study of International Relation**” (London: Macmillan).
- Early Western Assessments What Did We Know and When Did We Know It?(2012) available at: <http://www.globalsecurity.org/wmd/world/iraq/nuke-when.htm>.
- Executive Summary: Oman (2005), **Jane’s Sentinel Security Assessment: The Gulf State**. Gal Luft (January 2007) “The Coming Sunni-Shi’ite Nuclear Arms Race”, Institute for the Analysis of Global Security, available at: <http://www.iags.org/n0108071.htm>.
- Giora Eiland (2010), “Israel’s Military Option, Center for Strategic and International Studies”, The Washington Quarterly, 33:1, available at: [www.twq.com/10january/docs/10jan\\_Eiland.pdf](http://www.twq.com/10january/docs/10jan_Eiland.pdf).
- Hans J. Morgenthau (1948), “**Politics among Nation: The Struggle for Power and Peace**” (New York: Knopf, 1948).
- <http://www.gulf-daily-news.com/NewsDetails.aspx?storyid=281705>.
- Immanuel Wallerstein (1981), “the Inter-State Structure of the Modern World System” in Andrew Linklater, “**International Relations: Critical Concept in Political Science**”, London and New York, volume I.
- James M. Lindsay and Ray Takeyh (March/April 2010), “After Iran Gets the Bomb Containment and Its Complications”, available at: [http://www.cfr.org/publication/22182/after\\_iran\\_gets\\_the\\_bomb.html](http://www.cfr.org/publication/22182/after_iran_gets_the_bomb.html).
- Jon Fox (2007), “Qatar Preparing for Nuclear Program”, Official Says, available at: [http://gsn.nti.org/gsn/GSN\\_20071121\\_41606A15.php](http://gsn.nti.org/gsn/GSN_20071121_41606A15.php).
- Kenneth N. Waltz (1959), “**Man, the State And war: A Theoretical Analysis**” (New York: Colombia University Press).
- Kenneth N. Waltz (1979), “**Theory of International Politics**” (Addison\_Wesket).
- Kuwait Nuclear Program (2008), available at: [http://kuwaittimes.net/read\\_news.php?newsid=ODE10TEyMDk4](http://kuwaittimes.net/read_news.php?newsid=ODE10TEyMDk4).
- Kuwait to form nuclear energy commission (2009), World Nuclear News (WNN), March 3, available at: <http://www.world-nuclear-news.org/print.aspx?id=24761>.
- Magnus Normark et al (2004), “Syria and WMD Incentives and Capabilities”, **FOI Swedish**

**Defence Research Agency.**

Mary Beth Nikitin(2008), “Managing the Nuclear Fuel Cycle: Policy Implications of Expanding Global Access to Nuclear Power”, CRS Report RL34234, available at: [www.fas.org/spp/crs/nuke/RL34234.pdf](http://www.fas.org/spp/crs/nuke/RL34234.pdf).

Miles Pomper (January 2010), “US International Nuclear Energy Policy: Change and Continuity, Nuclear Energy Future Paper”, available at: [www.cigionline.org](http://www.cigionline.org)

**Mohamed Kadry SAID** (September 2009), “Civil Nuclear Energy Proliferation Challenges and Implications for the Middle East”, available at: [www.icnnd.org/research/Kadry\\_Civil\\_Middle\\_East.pdf](http://www.icnnd.org/research/Kadry_Civil_Middle_East.pdf).

Nuclear Weapons Programs (2012), available at: <http://www.globalsecurity.org/wmd/world/syria/nuke.htm>.

Policy of the United Arab Emirates on the Evaluation and Potential Development of Peaceful Nuclear Energy, (April 20, 2008), available at: <https://pcs.enec.gov.ae/Content/Home.aspx>.

Post-War Nuclear Assessments Iraq Survey Group Findings (2012) available at: <http://www.globalsecurity.org/wmd/world/iraq/nuke-isg.htm>.

Radioactive Waste Management Facility (2009),”IAEA Technical Cooperation Projects”, available at: <http://www.nti.org/country-profiles/syria/facilities/>.

Randa Habib (July 2009), “Jordan seeks to join nuclear energy club”, **The Middle East On line**.

Renewed Egyptian Ambitions for a Peaceful Nuclear Program (November 2006), **WMD Insights**, available at: [http://www.wmdinsights.com/I10/I10\\_ME2\\_RenewedEgyptian.htm](http://www.wmdinsights.com/I10/I10_ME2_RenewedEgyptian.htm).

Richard N. Hass and Martin Indyk(2009), “Beyond Iraq: A New Strategy for the Middle East”, **Foreign Affairs**, January / February 2009.

Ron Tira(July 2010), “A Military Attack on Iran? Considerations for Israeli Decision Making, Strategic Assessment”, Volume 13, No1, available at: [www.inss.org.il/upload/\(FILE\)1279454147.pdf](http://www.inss.org.il/upload/(FILE)1279454147.pdf).

Saudi Arabia Nuclear Program (2008), at: [www.america.gov/st/usinfo.../20080522162316idybeekcm0.166485.html](http://www.america.gov/st/usinfo.../20080522162316idybeekcm0.166485.html)

Saudi Arabia to Ink Nuclear Deal with France (2010), available at: <http://www.gowealthy.com/gowealthy/wcms/en/home/news/editorial/Saudi-To-Ink-N-Deal-With-France.html>.

Saudi Arabia’s nuclear program? (2006), available at: [http://www.iranaffairs.com/iran\\_affairs/2008/08/saudi-arabias-nuclear-program.html](http://www.iranaffairs.com/iran_affairs/2008/08/saudi-arabias-nuclear-program.html).

Saudia Arabia working on secret nuclear program with Pakistan help – report (2006), available



۱۸۶

سال اول  
شماره ۱  
بهار ۱۳۹۱



at: <http://www.forbes.com/feeds/afx/2006/03/28/afx2629000.html>.

South Korea assists UAE nuclear energy program (2011), available at: <http://www.nucpros.com/content/south-korea-assists-uae-nuclear-energy-program>.

Statement of Vann H. Van Diepen (October 2009), Acting Assistant Secretary, State Department Bureau of International Security and Nonproliferation before the Senate Foreign Relations Subcommittee on Near Eastern and South and Central Asian Affairs.

Steven Simon (November 2009), "An Israeli Strike on Iran", Council on Foreign Relations (CFR), Mission Statement of the Center for Preventive Action, available at: [www.cfr.org/content/publications/.../CPA\\_contingencymemo\\_5.pdf](http://www.cfr.org/content/publications/.../CPA_contingencymemo_5.pdf).

Syria nuclear document (2008), available at: <http://www.sweden.gov.se/syria>

Syria Profile, Overview (2012), available at: [http://www.nti.org/e\\_research/profiles/Syria/index.html](http://www.nti.org/e_research/profiles/Syria/index.html)

UAE leads Gulf nuclear-power plans (February 2010), The International Institute for Strategic Studies, Volume 16, at: <http://www.iiss.org/publications/strategic-comments/past-issues/volume-16-2010/february/uae-leads-gulf-nuclear-power-plans/>.

UAE Minister of Foreign Affairs Shaykh Abdullah bin Zayed Al Nahyan (September/October 2008), "Why Go Nuclear?" **Bulletin of the Atomic Scientist**.

